

علامه مدرّس ثانی

(فقیه و مرجع بزرگ شیعیان در قرن چهاردهم هجری)

علی کرباسی زاده اصفهانی

یکی از ستارگان درخشان آسمان علم و معرفت و خورشید فروزان فقه آل محمد ﷺ در قرن چهاردهم هجری، نابغه دهر، وحید عصر، یگانه دوران، مرجع عالی قدر شیعیان، فقیه و اصولی محقق، مرحوم آیه الله علامه آقا میرمحمد تقی مدرّس مطلق بوده است. بزرگ مردی که تاریخ علوم و معارف شیعی کمتر مانند او را به خود دیده و از کمتر کسی چون او آن همه کرامات و فضایل روحی و اخلاقی شنیده است.

با این که در قرن چهاردهم هجری، اساطین بزرگ و اساتید برجسته‌ای در حوزه‌های علمیه جهان تشیع مطرح بوده‌اند و خصوصاً دارالعلم اصفهان مملوّ از علما و فقها بوده و در گوشه و کنار آن، مدرّسین و محققین مشهور و نامداری به تدریس و تحقیق مشغول بوده‌اند،^۱ علامه میرمحمد تقی مدرّس، گوی سبقت را از معاصران خود ربوده و در اثر نبوغ ذاتی و تحقیقات ابتکاری و تقریرات کم نظیرش، توجه علما و فضیلاى عصر را به خود جلب نمود. مجلس درس معظم له، محفل فقها و محققین و

۱- در آن زمان بزرگانی مانند آقا سید محمد باقر درجه‌ای، میرزا بدیع درب امامی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آقا سید مهدی درجه‌ای، آخوند کاشی، میرزا سید محمد صادق خاتون‌آبادی، آقا شیخ محمد تقی نجفی، جهانگیرخان قشقایی، آقا شیخ مرتضی ریزی، آخوند گزی و ده‌ها تن دیگر از فقها و مدرّسین نامدار به تدریس و تعلیم در حوزه علمیه اصفهان اشتغال داشته‌اند.

مجمع مراجع و مجتهدین نامدار تشیع گشت.

آقا میر محمد تقی مدرّس، به راستی تالی تلو و جانشین پدر علامه اش، میر سید حسن مدرّس اعظم، بود و نام و خاطره پدر و مجلس پرفیض درس او و تحقیقات و تقریرات بی نظیرش را در اذهان همگان زنده کرد. چنین بود که آقا میر محمد تقی، الحق «مدرّس ثانی» لقب گرفت و همچون دوران پدر بزرگوارش موجب بی نیازی طلاب و فضلاء اصفهان از مسافرت به عتبات عالیات جهت تحصیلات عالیّه شد. در این مختصر، به شرح زندگانی ایشان و بیان شمّه‌ای از مراتب علمی و فضایل اخلاقی حضرتش می پردازیم.

تولد و دوران کودکی

آقا میر محمد تقی مدرّس، آخرین فرزند رادمرد علم و دین، آیت باهره الهی، بزرگ مرجع و زعیم جهان تشیع، مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس اعظم (۱۲۱۰ - ۱۲۷۳ ه. ق.) بوده است.^۱ میر محمد تقی در روز دوشنبه، سیزدهم ماه صفر المظفر سال ۱۲۷۳ هجری قمری برابر با ۲۱ ماه میزان سال ۱۲۳۰ شمسی در خاندان علم و عمل و فقه و فضیلت، دیده به جهان گشود.^۲ این مولود عزیز زمانی پا به این جهان گذاشت که پدر فقیه علامه اش، روزهای آخر عمر خود را سپری می کرد. سایه پر مهر پدر بر سر فرزند عزیز و گرامی اش، حدود یک صد روز بیشتر دوام نداشت. چون آقا میر محمد تقی به حدود چهار ماهگی رسید، پدر مهربان و بزرگوارش را از دست داد.^۳ مرحوم آقا میر سید محمد حسن (میر سید حسن ثانی)، فرزند ارشد آقا میر محمد تقی، نقل می کند که «چون علامه کبیر، مدرّس اعظم، در مرض موت واقع شد، فرمود

۱- در مورد شرح حال مدرّس اعظم مراجعه شود به: مجله حوزه اصفهان، شماره اول، اثر نگارنده همین مقاله.

۲- ر.ک، الرسائل التقویة فی المسائل الفقهیة، مقدمه، ص ۲؛ ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه الله چهارسویی، ص ۲۰۷؛ مکارم الآثار، ۶/ ۲۰۳۱؛ تذکرة القیوم، ص ۲۱۰.

۳- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، صص ۲-۳؛ زندگانی آیه الله چهارسویی، ص ۲۰۷؛ بزرگان محله نو، فضل الله اعتمادی، (خطی).

تا قنقاده میرمحمد تقی را آوردند، در حالی که وی سه ماهه بود. آن را بر سر دست گرفته و نظری به او کرد؛ همچون نظر کسی که از ادامه حیات خود ناامید است. پدر به تنهایی و غربت فرزندش ترحم کرده و پس از گریستن به درگاه الهی عرض کرد: خدایا! من از دنیا می‌روم و این طفل را به تو وامی‌گذارم و امید تربیت او را از تو دارم و بدین ترتیب امر فرزندش میرمحمد تقی را به پروردگار متعال تفویض نمود؛ «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»^۱.

البته معلوم است که چنین سخنی از چنان سید بزرگواری، خصوصاً در آن حال پریشان و در مرض موت که آثار مرگ را در خود احساس کرده و قطع علائق از همه چیز نموده بود، به موقع اجابت رسیده و آثار خود را خواهد رسانید.^۲

آقا میرمحمد تقی که در دوران شیرخوارگی و سه چهار ماهگی خود، پدر عزیزش را از دست داده بود، هنوز به سن ده سالگی نرسیده بود که از نعمت بزرگ برخورداری از مادری مهربان و دلسوز نیز محروم شد.^۳

میرمحمد تقی همچون جد اطهرش، خاتم الزسل، حضرت نبی اکرم ﷺ، یتیم الایوبین شد و پدر و مادر خود را که هر دو از سادات بزرگوار و از بیوت علما و شخصیت‌های سرشناس شیعی بودند، زود از دست داد، اما لطف قادر کریم و رب رحیم با این درّ رخیم یتیم بود و پروردگار عالم، نمونه‌ای از هستی و قدرت خود را بر عالمیان بنمود و باب عنایت و رحمت خود را بر این کودک آینده‌ساز بگشود و این طفل بدون پدر و مادر را به حدّ نابغه‌ای چشمگیر و مقتدایی بزرگ و امامی عادل و علامه‌ای ذوفنون، بال پرواز اوج و ترقی داد که مدرّس ثانی عزیز و میرمحمد تقی مجتهد بی نظیر گردید.^۴

آقا میرمحمد تقی، علاوه بر این که از طرف پدر به سادات حسینی و آل مدرّس

۱- ر.ک: الرسائل التقویة، ص ۳؛ زندگانی آیه‌الله چهارسوی، ص ۲۰۷.

۲- ر.ک: زندگانی آیه‌الله چهارسوی، ص ۲۰۷.

۳- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، ص ۳.

۴- بزرگان محله نو (خطی).

می‌رسید، از طرف مادر نیز به خاندان و سادات معروف صدرالعلماء^۱ می‌پیوست. پدر آقا میرمحمد تقی، یعنی علامه کبیر، مدرّس اوّل، دارای دو همسر بوده است. همسر اول از اقوام و خویشان آن مرحوم و از سادات میرمحمدصادقی بوده^۲ که هفت‌ماه پس از فوت علامه، مدرّس اول، بدرود حیات می‌گردد و - مطابق آنچه فرزند ارشد مدرّس اول، یعنی مرحوم آقا میرسیدعلی، به محدث نوری فرموده - پیکر پاکش را به عتبات عالیات برده و در نجف اشرف به خاک می‌سپارند.^۳ همسر دوّم علامه، مدرّس اوّل، دختر فقیه و مجتهد نامدار، مرحوم آقا سید عبدالوهاب بن سید محمد، معروف به صدر العلماء، بوده است. مرحوم صدرالعلماء^۴، صاحب قدرت و مجری احکام و حدود شرعی و بانی مسجد شمس آباد - واقع در کوچه حاج زرگرباشی که به نام خود ایشان نیز شهرت دارد - بوده است.^۵

آقا میرمحمد تقی که در ایام کودکی، یتیم گشته بود، تحت تکفل و سرپرستی جدّ و جدّه مادری اش قرار گرفت^۶ و در دامان پرمهر پدر بزرگ و مادر بزرگش پرورش یافت. آثار نبوغ و رشد و ترقی از همان ابتدا در ناصیه این کودک ممتاز، هویدا بود و در دوران کودکی و نوجوانی همواره مورد عنایات و تفضلات خاصه الهی قرار داشت و به خواست پروردگار بر بسیاری از اقران و امثالش برتر و مقدم واقع شد.^۷

تحصیلات و اساتید

آقا میرمحمد تقی با نبودن پدر، پس از طی مراتب کودکی، همت به تحصیل گماشت و در مقام کسب علوم و معارف اسلامی برآمد. معظم له، از همان سنین کودکی و نوجوانی، در دارالعلم اصفهان، شروع به تحصیل نمود و مقدمات عربی از

۱- مصاحبه با مرحوم آقا میر سید حسین مدرّس (از بنی اعمام علامه مدرّس ثانی).

۲- همان.

۳- ر.ک: دار السلام، ۱۶۵/۲.

۴- ر.ک: تذکرة القبور، ص ۴۹۱.

۵- ر.ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ۲۷۶/۳؛ تذکرة القبور، ص ۴۹۱.

۶- ر.ک: الرسائل التوقیة، مقدمه، ص ۳.

۷- همان.

صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بعضی از کتب معقول و جمله‌ای از سطوح را به اتمام رسانید.^۱ آقا میر محمد تقی، سپس، به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و در زمانی که هنوز پانزده سالگی اش تمام نبود نزد علامه جلیل‌القدر، فقیه و اصولی متبحر، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسویی - که از شاگردان مبرز و طراز اول مدرّس اعظم بود - به تحصیلات عالیّه خود ادامه داد و در طی دو سال از محضر این یگانه دوران بهره‌های فراوانی برد.^۲ آقا میر محمد تقی، با توجه به توانایی درک مطالب و جودت در فهم و هوش فوق‌العاده اش، بر دیگر شاگردان علامه چهارسویی پیشی گرفت، به گونه‌ای که سید استاد را متعجب و متحیر ساخته و شدیداً توجه استاد را به خود جلب نموده بود.^۳

این همه آثار پیشرفت و ترقی آقا میر محمد تقی و صعود او در دوران نوجوانی به درجات بالای علم و معرفت، ناشی از دعای خالصانه پدر فقیه، زاهد و عابدش بود. دعای پدر خیلی زود به هدف اجابت رسید و مراتب نبوغ و استعداد شگرف آقا میر محمد تقی در همان سال‌های اول، آشکار شد؛ به طوری که در اندک زمانی، مدارج عالی را پشت سر گذارد و به مقام والای اجتهاد نایل گشت.

آقا میرزا محمد هاشم چهارسویی خوانساری که استعداد خارق‌العاده و قابلیت ذاتی آقا میر محمد تقی را مشاهده فرمود، هنگامی که شنید شاگرد محقق مبرزش، قصد تشرف به عتاب مقدسه را دارد؛ با کمال ناراحتی و تأسف از او مصرّانه خواست که از مسافرت به عتبات چشم‌پوشی کرده و نزد خود وی به تحصیلاتش ادامه دهد.^۴ علامه چهارسویی می‌خواست حق بزرگی را که استاد اعظمش - آقا میر سید حسن مدرّس اول، پدر آقا میر محمد تقی - برگردن او داشته است، نسبت به فرزند عزیزش میر محمد تقی، ادا نماید و با توجه خاص و مراقبت ویژه از وی، بخشی از دیون خود

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

را ایفا کند. اما همت والای آقا میر محمد تقی و پشتکار عجیبی که او از ابتدا در تمامی امور و کارهایش و به ویژه در امر تحصیل داشت، او را به کوششی سخت و تلاشی بسیار و قبول رنج و زحمت سفر و ادات و سرانجام با ترک خانه و خاندان و شهر و دیارش، به عتبات عالیات مشرف گشت.^۱

آقا میر محمد تقی، قبل از سن بیست سالگی به عتبات عالیات مشرف شد. ایشان ابتدا در نجف اشرف از محضر نابغه زمان، فقیه و اصولی نامی، علامه شیخ هادی طهرانی - از شاگردان مدرّس اعظم^۲ - استفاده‌های فراوانی برد.^۳ آقا میر محمد تقی از مبرزترین شاگردان علامه طهرانی و از محققین تلامذه وی به شمار می‌رفت، به طوری که بعدها در حوزه اصفهان به جهت آگاهی عمیق ایشان از نظریات و آرای مرحوم علامه طهرانی، مرجع بسیاری از دانشمندان اهل نظر شد تا آنجا که حلّ معضلات کتب مرحوم شیخ هادی، گرهی بود که جز به دست باکفایت آقا میر محمد تقی باز نمی‌شد.^۴

در دوره اقامت در نجف اشرف، آقا میر محمد تقی هم‌چنین از محضر آیات و فقهای مشهور و مراجع نامدار وقت، همچون مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی، صاحب بدایع الاصول، و مرحوم ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایة الاصول، کسب فیض نمود.^۵

آقا میر محمد تقی سپس روانه سامرا شد و با یکی از مکاتب مشهور فقهی و اصولی امامیه به نام مکتب سامرا، آشنایی یافت. اساتید آقا میر محمد تقی در دوران اقامتش در سامرا عبارت بوده‌اند از: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی و آقا میر سید محمد فشارکی.^۶ از جمله علل اصلی مسافرت آقا میر محمد

۱- همان.

۲- ر.ک: شرح زندگانی مدرّس اعظم، اثر نگارنده همین مقاله، مجله حوزه اصفهان، دفتر اول.

۳- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه‌الله چهارسویی، ص ۲۰۷.

۴- ر.ک: طریق الرشاد، مقدمه، صص ۱۰-۱۱.

۵- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه‌الله چهارسویی، ص ۲۰۷.

۶- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه‌الله چهارسویی، صص ۲۰۷-۲۰۸.

تقی از نجف اشرف به سامرا این بوده است که ایشان از شاگردان مشهور و میزز حلقه درس علامه شیخ هادی طهرانی به شمار می‌رفته است. از حوادث تلخ و تأسف بار تاریخ علمای نجف، جریان تکفیر شیخ هادی طهرانی بوده است.^۱

در پی تکفیر علامه طهرانی توسط میرزا حبیب‌الله رشتی، مرحوم آقا میر سید علی مدرّس، برادر ارشد آقا میر محمد تقی، نامه‌ای به مرحوم میرزای شیرازی بزرگ نوشته و از ایشان می‌خواهد که استاد زاده خود آقا میر محمد تقی را به نزد خود بخوانند، که مبدا ایشان در معارضاتی که طبعاً در پی تکفیر آقا شیخ هادی طهرانی توسط میرزای رشتی و مخالفت با این تکفیر بلکه تقبیح آن توسط مرحوم شیخ محمد حسین کاظمی (۱۲۳۰-۱۳۰۸ ه. ق.) واقع شد، درگیر شده و از هدف اصلی خود باز بماند. پس میرزای بزرگ در پی این نامه دو نفر را در پی آقا میر محمد تقی فرستاده و ایشان را از نجف به سامرا نزد خود می‌آورد.^۲

۱- در آن زمان میان دو تن از شاگردان شیخ مرتضی انصاری یعنی میرزا حبیب‌الله رشتی، از میززترین شارحان افکار شیخ انصاری و شیخ هادی طهرانی از بزرگ‌ترین ناقدان افکار شیخ انصاری، اختلافاتی وجود داشته است. اما متأسفانه طبق معمول، بعضی از اطرافیان و شاگردان هر دو طرف که آتش بیاری معرکه را به عهده داشته‌اند، اختلافات را از جنبه علمی صرف به مسایل شخصی کشانده و در این راه توده عظیم عوام را به همراه خود یدک می‌کشیدند.

جنگ سرد لفظی بین دو گروه همچنان ادامه داشت تا این‌که در مجلس ترحیم یکی از علمای نجف، که بسیاری از علما و بزرگان حضور داشتند، یکی از اطرافیان میرزای رشتی که کنار او نشسته بود، برخاسته و با صدای بلند می‌گوید: «آن فنجان قهوه‌ای را که شیخ هادی از آن نوشیده است، بشوید». این جمله با توجه به سکوت میرزا حبیب‌الله رشتی، تکفیر از سوی ایشان تلقی شد. در همان هنگام در حالی که ولوله بزرگی در میان جمعیت به راه افتاده بود، شیخ محمد حسین کاظمی - صاحب هدایة الانام - که از هم شاگردی‌های شیخ هادی بود، فوراً دستور داد تا کوزه آبی آوردند و از شیخ هادی خواست تا مقداری از آن بنوشد و سپس خود، باقی مانده آن را نوشید. این حرکت باعث کم‌رنگ‌تر شدن تکفیر در میان مردم شد و بنا به اظهار نظر برخی از تراجم نگاران، اگر این حرکت شیخ محمد حسین نبود، شیخ هادی به کلی از انظار مردم می‌افتاد. (ر.ک: نامه مفید، شماره چهارم؛ صاحب این مقاله منابع داستان را به تفصیل ذکر کرده است. مؤلف که ظاهراً به ارشاد المسلمین و نیز مقالات مبسوطه مکرم الآثار معلم حبیب‌آبادی که در کتاب زندگانی آیه الله چهار سویی چاپ شده، دسترسی نداشته است در شمار شاگردان علامه طهرانی از آقا میر محمد تقی مدرّس، نامی به میان نیاورده است).

۲- این جریان از قول مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس هاشمی (میر سید حسن ثالث، ۱۳۲۹-۱۴۱۹ قمری)، نواده مرحوم آقا میر سید علی بن میر سید حسن مدرّس اعظم و از برادرزادگان آقا میر محمد تقی، نقل شده است.

بزرگ‌ترین و مبرزترین استاد آقا میرمحمد تقی در دوران تحصیلش، رئیس مکتب سامرا، بزرگ‌مجدد مذهب در قرون ۱۳ و ۱۴ قمری، آیه‌الله فی الارضین و مرجع منحصر به فرد شیعیان زمان، مرحوم میرزا سید محمد حسن شیرازی، معروف به میرزای شیرازی بزرگ، بوده است. میرزای شیرازی که از برجسته‌ترین شاگردان علامه مدرّس اعظم بود، به ملاحظه استاذزادگی و حقوق پدر آقا میرمحمد تقی، نهایت احترام را نسبت به وی منظور می‌داشت و همواره به ترویج وی، همت می‌گماشت.^۱

آقا میرمحمد تقی از مجلس درس پرفیض استاد اعظمش، میرزای شیرازی، نهایت استفاده را برد و در صدر تلامذه معظم له قرار گرفت. از مرجع عظیم الشان و فقیه اصولی نامدار شیعه مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ه. ق.)، مؤسس حوزه علمیه قم، نقل شده است که آقا میرمحمد تقی، همان درسی را که استادش میرزا، در صبح برای شاگردان می‌فرمود، در عصر همان روز تقریر می‌نمود و به جهت حسن تقریر و قریحه سرشار و طلاقت بیان، طلاب از تقریر ایشان، بیشتر از درس میرزا، استفاده می‌کرده‌اند.^۲

آقا میرمحمد تقی، مجموعاً ده سال در عتبات عالیات مشرف بود^۳ و در طی این سال‌ها، با تلاش بی‌وقفه و همت والا و نبوغ ذاتی اش، به درجات والای علم و عمل نایل آمد و در انظار دانشمندان و علمای وقت، جایگاهی رفیع یافت، به طوری که اعلیت او نزد همگان مسلم بود.

آقا میرمحمد تقی که به هنگام ورود به عتبات مقدسه، فاضلی کامل و محققى ژرف‌نگر بود، در مراتب علمی و فضایل اخلاقی، به نهایت درجه و فوق تصور ارتقا یافت بلکه از نهایت نیز گذراند.

در پایان ده سالی که آقا میرمحمد تقی در عتبات عالیات بود، سید استادش،

۱- ر.ک: زندگانی آیه‌الله چهارسوی، ص ۲۰۷.

۲- شجرة طیبه، فصل سوم.

۳- ر.ک: الرسائل التقویه، مقدمه.

میرزای بزرگ، وی را امتحان نمود و پس از امتحان، میرمحمد تقی را علامه‌ای فہام در بسیاری از علوم به ویژه فقه و اصول یافت.^۱ میرزا پس از این کہ دید آقا میرمحمد تقی، فقیہی مبرز و مجتہدی توانا و متبحر گشته است، بہ سجدہ شکر رفتہ و از این کہ از ادای حقوق استادش میرسید حسن مدرس اول - نسبت بہ فرزند او آقا میرمحمد تقی - برآمدہ، سپاس و حمد درگاہ خداوندی را بہ جای آورد.^۲ میرزای شیرازی سر بہ سجدہ شکر نہاد کہ حضرت ربّ الارباب و خالق متعال، برای خود آیتی و برای معصوم غایب علیہ السلام نایی از بین وراثت فحول ماضین باقی گذاشت تا پرچم دین را بتواند برافراشت.^۳

بدین ترتیب اساتید درس آقا میرمحمد تقی مدرس محلہ نوی (بہ ترتیب حروف الفبا) عبارت بودہ اند از:

- ۱- میرزا حبیب اللہ رشتی (۱۲۳۴-۱۳۱۲ ہ. ق.)
- ۲- میر سید محمد فشارکی اصفہانی (۱۲۵۳-۱۳۱۶ ہ. ق.)
- ۳- میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ہ. ق.)
- ۴- میرزا سید محمد حسن شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ہ. ق.)
- ۵- ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ہ. ق.)
- ۶- شیخ محمد ہادی طہرانی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ہ. ق.)
- ۷- میرزا سید محمد ہاشم چہارسوی خوانساری (۱۲۳۵-۱۳۱۸ ہ. ق.)^۴

بازگشت بہ اصفہان

آقا میرمحمد تقی مدرس کہ اینک خود فقیہی برجستہ و اصولی محقق و

۱- همان.

۲- ر.ک: همان.

۳- ر.ک: بزرگان محلہ نو.

۴- راجع بہ شرح احوال اساتید آقا میرمحمد تقی مدرس بہ این منابع مراجعہ شود: مکارم الآثار؛ نقباء البشر؛ زندگانی آیة اللہ چہارسوی؛ میرزای شیرازی (ترجمہ فارسی ہدایۃ الوازی)؛ مقدمہ مناہج المعارف و میزان الانساب؛ نامہ مفید؛ ش ۴.

مجتهدی نامدار و از جامعیت در علوم مختلف عقلی و نقلی برخوردار گشته بود، سرانجام در سال ۱۳۰۳ قمری به زادگاهش اصفهان بازگشت.^۱ البته علامه مدرس ثانی قبل از مراجعتش در این سال به اصفهان، مرتبه‌ای دیگر نیز در خلال تحصیلاتش از عتبات به اصفهان آمده بود^۲ و باز به آن نواحی مقدس مراجعت فرموده بود، اما ورود معظم‌له در سال ۱۳۰۳ به اصفهان، بازگشت دائمی او به زادگاه خود تا به هنگام فوت جانگدازش بود.

نقل می‌کنند که آقا میرمحمد تقی پیش از مراجعت به اصفهان، جهت گرفتن اذن به خدمت استاد اعظم میرزای شیرازی رسید و از او اجازه مراجعت خواست. میرزا از این اقدام آقا میرمحمد تقی ناراحت شده و در ابتدا اجازه بازگشت به او نداد و صراحتاً او را از این کار برحذر داشت. میرزای بزرگ به خوبی می‌دانست که قدر و منزلت حقیقی آقا میرمحمد تقی در اصفهان شناخته نخواهد شد و چه بسا اهل اصفهان او را درگیر امور و مسایلی سازند که موجب مخفی ماندن مقام و شخصیت واقعی‌اش گردد. به قول میرزا حسن خان جابری، صاحب تاریخ اصفهان:

به مثل معروف شده که: «بِه اصفهان در اصفهان بو نمی‌دهد»،
عطرش در شهرهای دیگر است؛ «و المنديل الرطب فی اوطانها
حطب»، زیرا کمتر مردم خود اسپهان را کسی از هموطنان، ترقیات
هنر و گهرش را اثر داده‌اند... اسپهانیان در غریب پیوری، جهدی غریب
دارند...^۳

میرزای شیرازی در پاسخ به شاگرد برجسته و عزیزش که اذن مراجعت طلبیده

بود، فرمود:

لا ارضی بمثلک ان تکون خموداً باصبهان بل اللائق لک ان تکون معنا

۱- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه‌الله چهارسویی، ص ۲۰۷؛ نقیه البشر و به نقل از آن، تذکرة القبور، سال بازگشت علامه به اصفهان را ۱۳۰۵ قمری ذکر کرده‌اند، اما با توجه به قرائنی چند، همان سال ۱۳۰۳ صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۲- ر.ک: مکارم الآثار، ۲۰۳۲/۶.

۳- تاریخ اصفهان، صص ۲۷۴-۲۷۵.

او فی النجف الاشرف مدرّساً لثلاثین یخفی قدرک و منزلتک.^۱

میرزای بزرگ که اکراه آقا میرمحمد تقی را بر اقامت و اصرار او را در بازگشت به جهت وجود اهل و عیال ایشان در اصفهان دید، از ایشان الزام گرفت که پس از رسیدگی به کارها و امور شخصی، سریعاً به عتبات عالیات بازگردد، ولی متأسفانه علامه مدرّس ثانی چون به وطن بازگشت، گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های مختلف آن قدر از هر سو به او روی کرد که امکان بازگشت به عتبات را از او سلب نمود و حتی مسافرت به مشهد مقدس رضوی - علی صاحبها آلاف التحية والثناء - که غایت آمال و منتهای آرزوی او بود نیز برایش میسر نگشت.^۲

زعامت و مرجعیت

سرانجام آقا میرمحمد تقی مدرّس، علی‌رغم اکراه استادش میرزای بزرگ، به دارالعلم اصفهان بازگشت. هنگامی که آقا میرمحمد تقی قصد مراجعت به وطن خود را نمود، میرزای بزرگ، اجازه نامه مفصلی برای ایشان نوشت و ضمن تصریح به اجتهاد مطلق ایشان، حکم او و فتوای او را حکم و فتوای خود دانست.^۳

علامه میرمحمد تقی در تمام طول حیات پر برکتش، مشمول عنایات خاصه و تفضلات ویژه ربّ ودود و پروردگار رئوف بود و به ویژه تحت تربیت و ارشادات دو شاگرد برجسته و مشهور پدر علامه‌اش، میرزا محمد هاشم چهارسویی و میرزا محمد حسن شیرازی، قرار داشت. این دو بزرگوار به پاس و تلافی الطاف و اکرام والد ماجد امجدش برای فراگرفتن تحصیلات آقا میرمحمد تقی، از هیچ‌گونه سعی و تلاش مضایقه نمودند. استاد دیگر او علامه شیخ هادی طهرانی نیز که از جمله شاگردان پدرش مدرّس اعظم بود،^۴ در تربیت و تکمیل تحصیلاتش بسیار کوشید و

۱- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، ص ۴.

۲- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه.

۳- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه.

۴- ر.ک: معارف الرجال، ۳/ ۲۲۵-۲۲۶.

نتیجه و ثمره اینها همه، مدرّسی دانش گستر و مقتدایی اعلم پرور و خَلَفی شایسته جانشینی پدر و اسوه‌ای نستوه شد؛^۱ روحانی سترگ و رادمردی که برای ترویج منہاج حیدری و تبلیغ احکام جعفری، آن قدر غرق در تحقیق و تفهیم و تدریس شد که دیگر مجاللی به غیر از این موارد نیافت و روی از همه خلائق، به جز مدرّس و منبر و محراب و لوح و کلک و کتاب، بتافت.^۲

میرمحمد تقی مدرّس از همان ابتدای ورود به اصفهان، در میان علمای شهر شهرتی تمام و ریاستی شایسته به هم رسانید و در طول ۳۰ سال اقامتش در اصفهان، از بزرگ‌ترین مدرّسین فقه و اصول و مرجع عالی قدر شیعیان و ملجأ و مأوای خاص و عام بود.

علامه مدرّس ثانی در حدود بالغ بر سی سال در مسجد مدرّس اعظم به جای پدر جلیل‌العنوان به امامت جماعت و در مدرسه صدر (مدرّس زاویه شمال شرقی) مشغول تدریس گشت.^۳ به تدریج در همه شهر، آوازه شهرت او پیچید و همه جانان داده شد که شاگرد و نایب تام‌الاختیار میرزای شیرازی به اصفهان آمده است.

نقل می‌کنند که وقتی آقا میرمحمد تقی به نماز می‌ایستاد نه تنها زیر گنبد و صحن بلکه دالان‌ها و حتی زیر بازارچه، مردم به نماز می‌ایستاده‌اند. به سبب کثرت مراجعین در احکام شرعی به معظم‌له، ایشان حاشیه‌ای بر رساله عملیه پدر علامه‌اش نوشت و در اختیار عموم مقلدین قرار داده شد. حواشی ایشان بر رساله پدر بزرگوارش، چندین بار و به چندین صورت، منتشر و در دسترس مقلدین قرار گرفت.^۴

با شهرت فراگیر علامه مدرّس ثانی، سیل وجوهات به طرف ایشان سرازیر گشت و در زمانی که اصفهان دارای هفتاد مجتهد مسلم بوده و هنوز حوزه علمیه اصفهان، رونق و رواج خود را داشته، علامه میرمحمد تقی به عنوان مجتهد عادل

۱- ر.ک: بزرگان محله نو.

۲- همان.

۳- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹؛ زندگانی آیه‌الله چهارسوی، ص ۲۰۷.

۴- در بخش آثار علامه مدرّس ثانی به رسائل ایشان از جمله رساله عملیه معظم‌له اشاره خواهد شد.

علی الاطلاق، حکمش نافذ بود. در اثر کثرت علم و حسن تقریر و بیان جذّاب و حلّ مشکلات علمی، صیت فضل و علم علامه به همه جا رسید^۱ و از اطراف و اکناف بلاد اسلامی از دور و نزدیک، برای استماع سخنانش و کسب علم از محضر فیاضش، به سوی او می‌شتافتند.

تدریس و شاگردان

آقا میر محمد تقی مدرّس از بدو ورود به دارالعلم اصفهان، بساط تدریس را چنان گستراند که گوی سبقت از همگنان خود ربود و توجه علما و فضیّای دیگر مدارس عصر را به مدرّس خود جلب نمود. گویی مدرّس اول اعظم، باز قدم به عالم ناسوتی گذاشته و با همان بیان سحرآمیز و تقریر شگفت آور به تعلیم فقه اهل بیت علیهم‌السلام و قواعد اصولی پرداخته است.

تسلط مدرّس ثانی بر تقریر مباحث و حلّ معضلات فقهی و اصولی در میان اهل علم صدا کرد و محفلش، محل رشد و تربیت جمعی کثیر از بزرگان علما و فضیلا گشت، تا آن جا که امثال آیتین اصفهانی و بروجردی در مدرّس و محضرش به شاگردی زانو زدند و بسیاری از فقها و صناید فضلادر حاشیه متن ریاست و بر تدریس از همگنان، خامه اعتراف و مهر قبول نهادند و طالبین دانش و جویندگان معارف، سیل گونه به مدرّسش هجوم آوردند و محتاجان به رتق و فتق مشکلات امور، درک محضرش را غنیمت دانستند و شهرت عالم گیر و ریاست همه پذیرش، روز به روز شدّت یافت. فضلا و علمای وقت به محض این که منزلت رفیع و جایگاه عظیم علامه مدرّس ثانی را در علم و معرفت و اخلاق و معنویت دیده و شناختند از تمام جوانب رو به سوی او آوردند.^۲

آقا میر محمد تقی مدرّس که فقیهی میبزز و استادی کامل و تمام در اصول بود سالها (نزدیک به ۳۰ سال) در مدرسه صدر بازار به تدریس سطوح عالی فقه و

۱- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹.

۲- ر.ک: الراسائل التقویة، مقدمه، ص ۴.

اصول اشتغال داشت^۱ و به تربیت جمع کثیری از افاضل و دانشمندان همت گماشت و تعداد بسیاری از علما و معاریف زمان از مجلس درس پرفیض او برخاستند.^۲ بسیاری از شاگردان او، خود از مراجع و زعمای نامدار جهان تشیع و از محققین و مدرّسین طراز اول مجامع علمی شیعی به شمار می‌روند. از مجلس درس علامه مدرّس ثانی،



مرحوم آية الله العظمى سيد ابوالحسن اصفهانی رحمته الله

بیش از ۵۰ نفر مجتهد برخاستند که ۲۰ تن از آنان از سوی علامه مدرّس ثانی، مجاز نیز گشته‌اند.^۳

نام چند تن از مشاهیر شاگردان^۴ علامه مدرّس ثانی (به ترتیب حروف الفبا) عبارت است از:

۱- حاج سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ه. ق.)

۲- حاج سید جمال الدین موسوی گلپایگانی (۱۲۹۶-۱۳۷۷ ه. ق.)

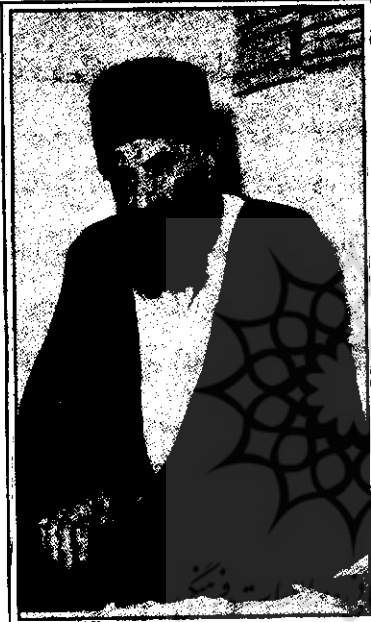
۱- ر.ک: تاریخ اصفهان، ص ۳۲۴.

۲- ر.ک: نقیاء البشر، ص ۲۵۱.

۳- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، ص ۴.

۴- مصادر نام شاگردان مدرّس ثانی، عبارت است از: تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۹۵، ۲۱۱، ۲۷۲، ۲۰۱ و ۵۳۲؛ زندگانی آية الله چهارسویی، صص ۵۸ و ۱۶۱؛ النهریة، ص ۴۵؛ طریق الرشاد، ص ۱۰؛ مجلة حوزه، ش ۳۳؛ مجلة نور علم، ش ۱۲؛ مناهج المعارف، مقدمه، صص ۲۷۵ و ۲۹۱؛ شجرة طيبة، فصل سوّم؛ بزرگان محله نو؛ فرزندگان خوانسار، ص ۷۰؛ خاطرات مرحوم آية الله آقا میر سید حسن مدرّس هاشمی؛ مشهد الامام او مدينة النجف، الجزء الثالث، ص ۸۷؛ دانشمندان خوانسار در کتب تراجم، ص ۴۷۰؛ نقیاء البشر، ج ۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲ و ج ۳؛ بیان المفاحر، ج ۲.

- ۳- حاج میر سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴-۱۳۷۷ ه. ق.)
- ۴- حاج ملاحسن دولت آبادی (متوفی قبل از ۱۳۶۰ ه. ق.)
- ۵- حاج سید حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ه. ق.)
- ۶- حاج آقا حسین روحانی (۱۲۵۳-۱۳۳۸ ه. ش.)
- ۷- حاج آقا رحیم ارباب (۱۲۹۷-۱۳۹۶ ه. ق.)
- ۸- حاج سید عبدالحسین طیب (۱۳۱۲-۱۴۱۲ ه. ق.)



مرحوم آية الله حاج آقا رحيم ارباب



حضرت آية الله سيد عبدالحسين طيب

- ۹- حاج سید علی نقی ثقة الشریعه (۱۲۹۱-۱۳۷۶ ه. ق.)
- ۱۰- حاج میرزا فتح الله درب امامی (۱۳۰۱-۱۳۷۷ ه. ق.)
- ۱۱- حاج سید مجتبی موسوی روضاتی (۱۳۰۲-۱۳۸۳ ه. ق.)
- ۱۲- سید محمد باقر میر محمد صادقی (۱۲۹۶-۱۳۶۳ ه. ق.)
- ۱۳- ملا محمد جواد صافی گلپایگانی (۱۲۸۷-۱۳۷۸ ه. ق.)
- ۱۴- حاج شیخ محمد حسین اشنی قودچانی (۱۲۸۵-۱۳۷۵ ه. ق.)
- ۱۵- حاج میرزا محمد حسین جعفری (۱۳۰۳-۱۳۶۹ ه. ق.)

۱۶- حاج سید محمد کاظم اسفیدواجانی معروف به مرتضوی کرونلی
(۱۲۸۸-۱۳۶۶ ه. ق.)

۱۷- حاج میر سید محمد مدرّس (۱۲۹۰-۱۳۶۶ ه. ق.)

۱۸- آقا میر سید محمد حسن مدرّس (۱۳۰۵-۱۳۷۲ ه. ق.)

۱۹- حاج شیخ محمود مفید (۱۲۹۷-۱۳۸۲ ه. ق.)

۲۰- حاج میرزا مهدی دولت آبادی (۱۲۸۸-۱۳۳۴ ه. ق.)

۲۱- ملا محمد مهدی فاضل خوانساری (۱۲۹۲-۱۳۵۵ ه. ق.)



آقا میر سید محمد حسن مدرّس

همان طور که قبلاً گفته شد و همچنان که از فهرست فوق به خوبی معلوم است، بسیاری از افاضل و علمای دوران اخیر دارالعلم اصفهان، از شاگردان مدرّس ثانی بوده‌اند. از این رو، می‌توان حدس زد که علمایی که با افراد فوق الذکر هم‌دوره بوده‌اند، مانند آقا سید محمد رضا خراسانی، حاج ملا حسینعلی صدیقین، حاج سید احمد خوانساری و ده‌ها تن دیگر، احتمالاً از محضر آقا میر محمد تقی استفاده کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش تدریس علامه مدرّس ثانی و شیوه‌ها و سلیقه‌های جذابش

مرحوم آقا میر سید محمد حسن مدرّس، معروف به میر سید حسن ثانی، فرزند و شاگرد مدرّس ثانی، راجع به سبک بی‌نظیر تدریس پدر علامه‌اش و ویژگی‌های آن می‌نویسد:

از ویژگی‌های علامه مدرّس ثانی، قریحه غریب و سلیقه ابتکاری و استقامت معظمله جهت ورود در هر مسأله فقهی و اصولی و خروج از آنها بود. از دیگر خصایص معظمله، این بود که مسأله را به گونه‌ای بیان می‌فرمود که در میان دیگر مدرّسین وقت اصفهان

نظیری نداشت و فی الواقع بیانی ساحرانه داشت. چه بسا مدرّس ثانی در میان اقوال یک مسأله، قولی را که واضح البطلان بود به گونه‌ای بیان می‌کرد که تمامی مستمعین و تلامذه در سش به آن معتقد می‌شدند، آن‌گاه خود، شروع به بیان وجوه بطلان آن قول بر اساس رأی و نظر اجتهادی خود می‌فرمود. از دیگر صفات برجسته آن روحانی جلیل‌القدر این بود که اسامی علما و شخصیت‌های مشهور و بزرگ امامیه را با عظمت و به بلندی یاد می‌نمود و لذا اگر در مسأله‌ای برخی از بزرگان، مانند علامه حلی و محقق و دیگران، اتفاق رأی داشتند - حتی اگر مخالف اجماع نیز می‌بود - قول آنان را مورد دقت نظر و موشکافی قرار می‌داد و در مورد دلایلشان، تفحص و بررسی می‌نمود.^۱

شیوه درسی مدرّس ثانی، محققانه و ابتکاری و با اسلوبی نو و بدیع بود. از جمله ویژگی‌های محفل درسی ایشان، توجه داشتن به نظرات علمای عامه و تطبیق آن با آرا و نظریات علمای شیعه بوده است. شیوه درسی فقیه اعظم و زعیم اکبر، بزرگ مرجع جهان تشیع مرحوم آیه‌الله بروجردی کاملاً شبیه به شیوه درسی استادش علامه مدرّس ثانی بود و به نظر برخی از محققین، ظاهراً مرحوم بروجردی شیوه مذکور را از استادشان در اصفهان تعلیم گرفته بوده‌اند.^۲

از ویژگی‌های دیگر مدرّس ثانی، حافظه عجیب و خارق‌العاده ایشان بود که به ویژه از رموز موفقیت معظم‌له در امر تدریس و تحقیق به شمار می‌رفته است. از مرحوم آقا میر سید حسن ثانی فرزند ارشد علامه نقل شده است که معظم‌له به خاطر برخورداری از حافظه سرشار و قوی، نیازمند به مطالعه قبلی - چنان‌که معمول علما و مدرسین است - نبوده است. همین که صبح، در درشکه - که وسیله نقلیه معمول آن زمان بوده - می‌نشسته‌اند تا از منزل به مدرسه بروند، در تفکری عمیق فرو می‌رفتند و

۱- ر.ک: الرسائل الثقویة، مقدمه، ص ۴.

۲- ر.ک: مجله حوزه، شماره ۵۳، مصاحبه با مرحوم آقای حاج شیخ حیدر علی محقق.

به یاد می آوردند که فی المثل نظر استادشان میرزای بزرگ در حینی که به همین بحث مشغول بوده‌اند، چیست و ادله‌ای که در اثبات یا نفی فلان مسأله اقامه شده است، کدام است!

نمونه‌ای از فتاوای فقیه علامه مدرّس ثانی

گویند در زمان‌های پیشین، انگلستان که در صدد استعمار و استثمار مسلمین بود و مایه تمام بدبختی‌هایش و ریشه مبارزان مسلمین علیه خودش را قرآن می‌دید و فهمیده بود تا وقتی که قرآن بر جان‌ها و عقل‌های مردم حاکم است، محلی برای انگلیس نیست و شاید بعد از توهین گلاستون، نخست‌وزیر وقت، بود که دولت انگلیس تصمیم قطعی گرفت که مایه عقیدتی مردم یعنی قرآن را از دستشان بگیرد. این بود که اقدامات عملی خود را آغاز کرد. از جمله به هر کدام از افراد سست ایمانی که ردی بر قرآن می‌نوشت، پول هنگفتی می‌دادند.

در این موقع، امین الشریعه قول‌هایی به انگلیس می‌دهد و خلاصه، تصمیم می‌گیرد که ردی بر قرآن بنویسد که برای هر سطرش از دولت فخمیه یک لیره بگیرد. وی این کار را انجام داده و پول را می‌گیرد. (بگذریم از این که کتاب وقتی به دست اهل فن می‌رسد، بر آن می‌خندند و چاپ آن را دالّ بر حماقت دشمنان می‌پندارند ولی بالاخره کلاه بر سر دولت فخمیه می‌رود و پول را امین الشریعه می‌گیرد).

از آن جایی که این طور پول‌ها باید در کارهایی نظیر همین، خرج شود - چه، بستگی به چگونگی کسب دارد - امین الشریعه این پول را در کار ربا می‌اندازد و مخصوصاً در نوع مخصوصی از آن به نام «بیع شرط». به این صورت که با یک مفلوکی که پول می‌خواهد، قرارداد می‌بندند و برای مثال می‌گویند من صد تومان به تو می‌دهم اگر تا یک سال این پول را با پنجاه تومان اضافه آوردی که آوردی و گرنه خانوات متعلق به من می‌شود. امین الشریعه پس از بستن بیع شرط با افراد، سر یک سال که می‌شده، یک هفته‌ای از طرف قرارداد متواری می‌شده و خود را غایب می‌کرده و پس از گذشتن از موعد، می‌آمده و خانه را مصادره می‌کرده است؛ و طبق

قرارداد ہم قانونی بوده است!

گویند امین الشریعه برای پسرش، دختر همایون میرزا را می‌گیرد و قول می‌دهد که خرجی اش را بدهد ولی در ماه فقط سه تومان به پسرش می‌داده است. پسرش نزد مرحوم آقا میر سید حسن چهارسوقی می‌رود و گله می‌کند که پدر مرا بخواهید و بگویند این سه تومان را پنج تومان کنند. چون آقای چهارسوقی چنین می‌کند، امین الشریعه می‌گوید این عمل پسر موجب شد که همان سه تومانش را هم قطع کنم، زیرا اگر پنج تومان کنم، باز آمده می‌گوید ده تومان و بعد پانزده تومان؛ آن وقت بیکار بدبخت می‌شود.

مرحوم آقا میر محمد تقی مدرّس، که آن وقت مرجع تقلید بوده است، فتوا می‌دهد که بیع شرط حرام است و کار را تا آن جا می‌گیرد که جزء قانون اساسی درمی‌آید و در حقیقت کار امین الشریعه، محکوم و غیر قانونی می‌شود، ولی امین الشریعه دست از این عمل بر نمی‌داشته، اما چون مردم آن زمان، مطیع مرجعشان بوده‌اند، وقتی موعد مقرر می‌شده، به رسم آن زمان که در خانه زشتکار، گاه دود می‌کرده‌اند، جلوی خانه امین الشریعه چنین می‌کرده‌اند و خلاصه آبرویش در تمام شهر می‌رود و چون این عمل را می‌دیده است، مجبور بوده است که بازگردد و دست از این عمل کثیف بردارد.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آقا میر محمد تقی مدرّس و جریان مشروطه

علامه مدرّس ثانی نیز همچون فقیه شهید مظلوم، مرحوم آیه‌الله شیخ فضل‌الله نوری، هر چند ابتدا از هواخواهان مشروطه به شمار می‌رفت اما چون مشروطه مورد نظر ایشان مشروطه مشروعه بود، به تدریج از مخالفان سرسخت مشروطه غیر مشروعه به شمار رفتند. آقا میر محمد تقی مانند بسیاری از علمای دیگر در حمایت از جریان مشروطه‌ای که زیر نظر و تحت حمایت فقها و مجتهدین شیعه باشد از هیچ اقدامی دریغ

۱- به نقل از برخی از احفاد آقا میر محمد تقی.

نمی‌ورزید. ایشان چه در جلسات و انجمن‌هایی که جهت حفظ یا تأیید این جریان و یا تحکیم اساس مجلس شورای ملی تشکیل شد و چه در اطلاعیه‌هایی که به این منظور نوشته می‌شد یا تجمّع‌های مختلفی که برگزار می‌گشت، شرکتی فعال داشت.

مطابق آنچه روزنامه جهاد اکبر در ماه رجب ۱۳۲۵ قمری نوشته، از جمله انجمن‌هایی که برای حفظ اساس مجلس شورای ملی در اصفهان منعقد گشته، انجمن سادات آقا میرسید حسین بوده که به ریاست آقا میرمحمد تقی مدرّس تشکیل می‌شده است.

هم‌چنین در اعلامیه تاریخی علمای اصفهان بر ضدّ سلطه اقتصادی بیگانه، علامه مدرّس ثانی به همراه برخی از علما و بزرگان وقت، مصرف کالاها و منسوجات بیگانه را تحریم و مردم را به استفاده از امکانات محدود ملی و تولیدات داخلی توصیه کرده‌اند. این اعلامیه که به رهبری مرحوم آقا نجفی (شیخ محمد تقی نجفی) و در تاریخ جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است توسط آقایان آقا نجفی، آقا نورالله، شیخ محمد حسین فشارکی، آقا شیخ مرتضی ریزی، رکن الملک، میرزا محمد تقی مدرّس و حاجی سید محمد باقر بروجردی امضا شده است. پس از مهر و امضای آقایان مذکور، برخی دیگر از علمای اصفهان نیز آن را تأیید و امضا کرده‌اند که اسامی آنها عبارت است از: حاجی میرزا محمد مهدی جوینارای، سید ابوالقاسم دهکردی، حاجی سید ابوالقاسم زنجانی و حاجی محمد جواد قزوینی.^۱

در موضوع دیگری که در جریان مشروطه و مجلس شورا، نام آقا میر محمد تقی به بیان آمده، واقعه‌ای است که در سال ۱۳۲۵ قمری رخ داد و برخی از مستبدین در صدد قطع ریشه مجلس شورا و حامیان آن برمی‌آیند. در نتیجه، بلوایی در اصفهان برپا شده و مردم و جمع‌کنیری از آقایان علما در بیت آقا نجفی و نیز در عمارت چهل ستون گرد هم جمع می‌آیند و سرانجام به پیشنهاد مرحوم آقا سید حسن اسفهای، مخالفت آقایان را به توسط تلگراف به تمام بلاد منتشر می‌نمایند. این نامه در تاریخ

۱- ر.ک: اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، صص ۲۱۰-۲۱۱.

۱۵ ذی القعدة سال ۱۳۲۵ قمری نوشته شده و ارسال می‌گردد. ذیل این نامه امضای آقایان محمد تقی نجفی، شیخ نورالله نجفی، ابوالقاسم زنجانی، محمد تقی حسینی (مدرّس)، حاجی میرزا حسن ملاذ الاسلام، محمد علی کلباسی، محمد مهدی مازندرانی و محمد حسن مدرّس اسفه‌ای و دیگران دیده می‌شود.^۱

هم‌چنین در اعلامیه دیگری که مورخ ۱۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ قمری است، جمعی از علمای اصفهان به بیان اهداف اصلی نظام مشروطه مبادرت کرده‌اند که اهم آنها حول این چند محور است: ۱- اعلاّی کلمه اسلام ۲- احیای سنن شریعت نبوی ۳- ابطال بدعت ۴- اعانت مظلوم. این نامه نیز به امضای علمای بزرگ اصفهان از جمله مرحوم آقا میرمحمد تقی (با لقب محله‌نوی) رسیده است. در واقع مشروطه مورد نظر برخی از علمای اصفهان، مشروطیت با تفسیر و تعبیر شریعت خواهانه بوده است.^۲

به تدریج آقا میرمحمد تقی که با ذکاوت و تیزبینی برخی از آثار سوء و توالی فاسده جریان مشروطه را مشاهده می‌کند، متوجه می‌شود که از اساس با مشروطه مشروعه فاصله گرفته و به سمت و سوی دیگری می‌رود، لذا مرحوم مدرّس، به طور علنی و آشکارا، ماهیت مشروطه و مفاسد و آثار سوء آن را به مردم گوشزد می‌نمود. نقل می‌کنند که آن مرحوم روزی به منبر می‌رود و سخنرانی غزایی می‌کند که: مردم! شما نمی‌دانید مشروطه چیست؟ مشروطه، اسلام را از شما می‌گیرد، مالیات‌ها وضع می‌کنند، خراج‌ها می‌ستانند، زن‌ها را بر شما مسلط می‌سازند، قوانین دست و پا گیر برایتان وضع می‌کنند، جوان‌هایتان را به اجبار می‌برند، فقه را تعطیل می‌کنند و... اما متأسفانه با این مرجع تقلید و مجتهد جامع‌الشرایط چه‌ها که نکردند! فریاد برمی‌آورند که این محل به خاطر سخنان این مرد نجس شده، پس دلو آوردند و مسجد را آب کشیدند، حتی سنگی که ایشان بر آن ایستاده بود را وارونه کردند، چرا که گفتند این سنگ نجس شده است. بعد هم حاج آقا نورالله لشکر ساخت که بیاید قصه مرحوم شیخ فضل‌الله را در اصفهان تکرار کند، اما نتوانست چون ارادتمندان

۱- همان، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۲- ر.ک: فرهنگ اصفهان، شماره اول، «جرايد و مطبوعات سياسي اصفهان در يك قرن اخير».

علامه مدرّس ثانی مانع شدند. گویند که وقتی لشکر حاج آقا نورالله به نزدیکی منزل این مرد رسید، پیروانش سراسیمه وارد شدند که امرکن تا تار و مارشان کنیم، اما آقا میرمحمد تقی در پاسخ فرموده بود: خون ما که از سرورمان حسین علیه السلام رنگین تر نیست، مگر همین ایام برادر ما شیخ فضل الله را بر دار نکرده اند؟ آری! بگذارید ببینند. اگر مرا به تنهایی بکشند، شایسته تر است از این که خون از دماغ یکی از مسلمین جاری شود، اینها جاهلند و مستحق عقوبت نیستند، معذورند.

لاجرم یکی از ارادتمندان آقا که از اهالی جوزدان بوده با سواران خود، به این شرط که حتی خونی از دماغ کسی جاری نشود، حرکت می کنند به سوی لشکر حاج آقا نورالله، که خود سوار الاغی در جلو حرکت می کرده و مریدانش با چوب و چنگک و سنگ و تفنگ از پی اش می آمده اند. آن سردار به سواران خود دستور می دهد تفنگ ها را به سمت سقف بازارچه که چوبین بوده، شلیک کنند. همین که سروصدا بالا می رود و سقف با گرد و غباری انبوه شروع به شکستن و خرد شدن و ریختن می کند، لشکریان مهاجم می گریزند و متواری می شوند.

هر چند این جریان چنین به پایان رسید اما آزارها و اذیت ها و تهدیدها خاتمه نیافت تا مرگ نابهنگام علامه مدرّس ثانی در سن نزدیک به شصت سالگی، ادامه داشت.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رشک حسودان و فتنه ناجوانمردان

به راستی جای تأسف بسیار است که وجود بزرگانی چون مدرّس ثانی که سراسر خیر و برکت و موجب تأیید و ترویج دین و مذهب و مایه رشد و ترقی علم و فرهنگ و تکامل جامعه اسلامی است، چقدر زود، آن هم با چه لطامات و صدماتی، از این جهان رخت بر بسته و به دار باقی شتافته اند. جهان اسلام و تشیع، چه نابهنگام علامه ای چنین نابغه و متبحر و عالمی متنفذ و متفکر - که دگر مادر دهر نژاید - را از

دست داد. بزرگ مردی که حوزه درسش از هر کجا بر سایر حوزه های بلاد اسلام برتری یافت و با وجود تدریس او در اصفهان، از مراجعه سایر طلاب به دیگر حوزه ها کاسته شده بود، اما أجل، بساط جلسات درس و زعامت و ریاست این علامه دهر و فعل کم نظیر را در نوردید و شاگردان درس او همه متفرق و پراکنده و به دیگر حوزه ها و مدارس علمای وقت، مراجعه کردند.

علاوه بر صدماتی که جریان مشروطه گری به جسم پاک و روح تابناک مدرّس ثانی وارد آورد، چشم حاسدان و جاه طلبان نیز نمی توانست موفقیت و رشد و پیشرفت رو به افزون و قدرت و زعامت علامه را تحمل نماید و آخر الامر پیش بینی میرزای شیرازی بزرگ در مورد آقا میر محمد تقی درست از آب درآمد و این مرد الهی در اصفهان به ده ها نوع گرفتاری و مصیبت مبتلا گشت.

نقل می کنند که برخی از این حاسدان به فکر چاره می افتند و لاجرم آقا میر محمد تقی را فریب می دهند که آقا، مرجعیت تامه و آن همه مخارج که بدون مستغلات نمی شود! حالا که دارند قریه هایی به علما پیش کش می کنند (که متأسفانه از جانب هر کس که بود اعم از شاه یا مستبدین یا خوانین محلی و... برای بدنام کردن علمای اسلام بود) شما هم ردّ احسان نکنید. سرانجام ایشان نیز قبول می کند.

این جا بود که حاسدان شروع، شروع به شایعه و جوسازی علیه صاحب ترجمه کردند و همه جا اظهار داشتند که آقا می رود وجوهات را خرج خریدن ده می کند. از طرف دیگر هم آقا میر محمد تقی که ناچار بود به قریه اش سرکشی کند روزهای چهارشنبه درس را زودتر تعطیل کرده و شنبه ها هم دیرتر می آمده، در نتیجه به تدریج طلاب از گرد ایشان می پاشند. اصفهان هم که متأسفانه از قدیم الایام به جوسازی و شایعه پراکنی معروف بوده، تا این که یک دفعه کار به جایی می رسد که جلسه درس آقا از چهارصد و پانصد نفر به چهل، پنجاه نفر و مأمومین از چند هزار به چند صف از دراویش و اهل محل می رسد!

مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس هاشمی (معروف به میر سید حسن ثالث، حفید مدرّس اعظم و نوّه برادر مدرّس ثانی) نقل می فرمود که پدرم مرحوم آیه الله آقا میر

سید محمد مدرّس، شاگرد آقا میر محمد تقی، نقل کرد که آقا میر محمد تقی نفرین می کرد که خدایا! این [حاسدان شرور] مرا فریب دادند، انتقام مرا از ایشان بگیر!

وفات

آری! وجود مدرّس ثانی و نبوغ و موقعیت کم نظیرش برای دشمنان ملت و مخالفین دین اسلام موجب وا همه و هراس بود و وجود این شخصیت بزرگ را بر نمی تافتند^۱ و سرانجام این عالم ربانی و فقیه صمدانی که استادش میرزای بزرگ امید به مرجعیت و زعامت جهانی او داشت، در سن حدود ۶۰ سالگی، دار فانی را وداع گفت. حتی به اندازه پدر علامه اش (که ۶۳ سال زیست) نیز عمر نکرد و بعد از شصت سال و یک ماه و ۲۴ روز قمری در شب دوشنبه، هفتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ قمری از این محنتکده فانی رو به دارالسرور باقی نهاد^۲ و در مقبره پدر بزرگوار، جلوی مضجع شریفش، مدفون گشت.

با درگذشت نابهنگام آقا میر محمد تقی، بلوایی عظیم - همچون زمان فوت پدر علامه اش میر سید حسن مدرّس اعظم - پیا شد و عموم اهالی اصفهان از زن و مرد و پیر و جوان و بزرگ و کوچک را در غم و اندوه فقدان مقتدا و پیشوایشان فرو برد و شهر یکپارچه غرق در ماتم و عزادار و سیاهپوش گشت.^۳

در کتاب تاریخ اصفهان ماده تاریخ فوت مدرّس ثانی، چنین آمده است: «امان که حوزه علمیه بی مدرّس گشت»^۴

هم چنین مرحوم معلّم حبیب آبادی، صاحب مکارم الآثار، درباره تاریخ فوت علامه، چنین سروده است:

۱- بزرگان محله نو.

۲- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، ص ۴؛ زندگانی آیت الله چهارسویی، ص ۲۰۸؛ تذکرة القبور، صص ۲۱۰ - ۲۱۱؛ مکارم الآثار، ۲۰۳۲/۶. گفتنی است صاحب تاریخ اصفهان (ص ۳۲۴) سال فوت علامه را ۱۳۳۴ ذکر کرده است.

۳- ر.ک: الرسائل التقویة، مقدمه، صص ۲-۳.

۴- ر.ک: تاریخ اصفهان، ص ۴۲۴. این مصرع ظاهراً متعلق به مرحوم میرزا مهدی دولت آبادی است که سروده کامل آن در متن آمده است.

آن میر محمد تقی نسام آور چون رفت برون از این جهان فانی
 پرسید معلم از خرد تاریخش گفتش که تو این شعر بخوان تا دانی
 بُد سال هزار و سیصد و هم سی و سه اندر شب هفتم ربیع الثانی^۱

مرحوم حاج میرزا مهدی دولت آبادی، از شاگردان مدرّس ثانی، نیز در وصف مراتب علمی و اوصاف ملکوتی و نیز ماده تاریخ وفات استادش، قطعه‌ای زیبا سروده است:^۲

به ملک هستی ما تا قضا مهندس گشت زمین ز درّ ثمین تنگدست و مفلس گشت
 یگانه میر محمد تقی، مدرّس عصر که خود به موقع^۳ تحقیق میر مجلس گشت
 ز تنگنای زمین در فضای خُلد برین به جدّ امجد پاکش انیس و مونس گشت
 مس وجود زراز و عظم^۴ به گاه سخن ز فضل و علم و هنر کیمیای هر مس گشت
 ز جسم حجة الاسلام چون برفتی جان ز غصه جسم زمین گونیا که بی حس گشت
 یکی برون شد و تاریخ رحلتش را گفت امان که حوزه علمیه بی مدرّس گشت

اولاد و اعقاب آقا میر محمد تقی مدرّس محله نوبی

از آن جایی که علامه میر محمد تقی مدرّس هنگام بازگشت از نجف به اصفهان در محله نو - نزدیک منزل پدری اش - سکنی گزید، به مدرّس محله نوبی نیز شهرت یافته است. البته منزل پدر علامه اش در محله بیدآباد (و در واقع مرز میان بیدآباد و محله نو) واقع بوده است؛ همان جایی که بعداً منزل پسر ارشدش آقا میر سید علی و نواده اش آقا میر سید محمد بود و تا این اواخر در اختیار فرزندان آقا میر سید محمد قرار داشت. به مناسبت سکونت آقا میر محمد تقی در محله نو، کوچه‌ای که منزل

۱- ر.ک: زندگانی آیه الله چهارسویی، ص ۲۰۸.

۲- این سروده در جنگی خطی به خط زیبای آقا میر سید حسن ثانی (فرزند ارشد آقا میر محمد تقی) که اخیراً یافت شد، موجود است که متعلق است به نواده گرامی اش آقا میر سید صدرالدین مدرّس. آقا میر سید حسن ثانی در پایان این سروده چنین نوشته‌اند: ریخته قلم حاجی میرزا مهدی دولت آبادی (متوفی ۱۳۲۴ ه. ق.).

۳- ن.ل: به مسند.

۴- احتمالاً: «مس وجود زراز و عظم شد به گاه سخن» صحیح باشد.

معظم‌له در آن واقع شده بود. و سپس به فرزندش آقا میر سید حسن ثانی و نواده‌اش آقا میر سید علاء‌الدین رسید و فعلاً در اختیار فرزندان آقا میر سید علاء می‌باشد. به کوچهٔ مدرّس معروف می‌شود.

آقا میر محمد تقی در خلال مدّت ده سالی که در عتبات عالیات جهت تحصیلاتش مشرف بود، یک بار به اصفهان عزیمت نموده و خواهر شیخ محمد علی اشتری اصفهانی را به زنی گرفته، پس از زفاف، دوباره به عراق بازگشته و زوجهٔ حامله‌اش در اصفهان بود تا فرزند دختری از او به وجود آمد و آن دختر در حدود ده سالگی وفات یافت و پدر را ندید. آقا میر محمد تقی، مقارن آن احوال، به اصفهان بازگشت و از آن پس خداوند، سه فرزند ذکور به نام‌های میر سید محمد حسن و میر محمد حسین و میرزا محمد باقر از همان مخدّره به او کرامت فرمود که هر سه نفر خصوصاً میر سید محمد حسن (معروف به میر سید حسن ثانی) از اهل علم و فضل و تقوا و از اخیار روزگار بودند.

زوجهٔ اول آقا میر محمد تقی در حدود سال ۱۳۱۳ قمری وفات یافته و آقا میر محمد تقی، دختری از خاندان ملاباشی به زوجیت اختیار می‌نماید که آن علویّه نیز دختری به دنیا آورد و خود، حین وضع حمل وفات می‌کند و آن دختر، بزرگ شده و ازدواج نموده که فرزندان او باقی است. پس از سال‌ها باز آقا میر محمد تقی، یکی از دختران مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانى را به زوجیت اختیار نموده که از او نیز دو فرزند پسر به نام‌های سید محمد رضا و آقا سید محمد جواد به وجود آمده‌اند.^۱

بنابر این علامه مدرّس ثانی، جمعاً دارای هفت فرزند. دو دختر و پنج پسر. از سه همسر بوده که یکی از دخترانش در زمان حیات پدر، بدرود حیات می‌گوید. نام و خصوصیات پنج پسر علامه به ترتیب عبارت است از:

۱- مرحوم آقا میر سید محمد حسن مدرّس مطلق، معروف به میر سید حسن ثانی. ایشان در تاریخ هشتم ذی‌الحجهٔ سال ۱۳۰۵ قمری در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات

معظم له نزد پدر علامه اش و آقا سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقایی بوده است.

میر سید حسن ثانی، به جای پدر گرامی و جد امجدش در مسجد رحیم خان امامت می فرمود و به زهد و تقوا و ترک دنیا و اعراض از مردم معروف بود. ایشان هم چنین مدت ها به تدریس و تربیت طلاب اشتغال داشت.

آن مرحوم در شب جمعه، پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۷۲ قمری از دنیا رحلت کرد و در مقبره جد بزرگوارش، نزدیک قبر پدر، مدفون گردید.^۱

آقا میر سید حسن ثانی، دختر آقا میرزا بهاء الدین بن سید محمد علی آقا مجتهد^۲ (متوفی ۱۳۲۵ قمری) را به زوجیت اختیار نمود و چهار فرزند پسر و یک دختر از خود به جای گذاشت. پسران آن مرحوم به ترتیب عبارت بوده اند از: آقا سید محمد، آقا سید جمال الدین، آقا سید جلال الدین، آقا سید علاء الدین. اعلم و شهر فرزندان آن مرحوم، مرحوم آقا میر سید علاء الدین مدرس (۱۳۴۴ - ۱۴۱۳ قمری) بوده است. گفتنی است از مرحوم آقا میر سید حسن ثانی، نزدیک به ۲۰ اثر در موضوعات مختلف ادبی، تاریخی، فقه، اصول، حدیث و کلام و عرفان باقی مانده است که تا کنون یکی از آنها به نام السحابة البيضاء به زیور طبع آراسته شده است. خوانندگان محترم می توانند برای آشنایی بیشتر با وی و آثارش به مقدمه این کتاب به قلم نگارنده مراجعه فرمایند.

۲- مرحوم آقا میر محمد حسین مدرس مطلق، متولد حدود ۱۳۰۷ و متوفی در شب غره ذی القعدة سال ۱۳۸۸ ق.^۳ صاحب ارشاد المسلمین راجع به ایشان می نویسد:

السید الفاضل المبرأ من کل شین آقا میرزا محمد حسین که بعد از فوت والد خود، چندی در اصفهان ماند و بعد از چند سال به طهران

۱- ر.ک: تذکره القبور، صص ۲۱۱ و ۲۷۰؛ زندگانی آیه الله چهارسوی، ص ۲۰۸؛ شجرة طیبه، فصل چهارم؛ مقدمه نگارنده بر السحابة البيضاء که در سال ۱۳۷۷ شمسی در اصفهان به طبع رسیده است.

۲- در مورد شرح احوال آقا مجتهد بنگرید به: «فقیه شهیدان یا شهید فقیهان» به قلم نگارنده، مجله حوزة اصفهان، ش ۲.

۳- ر.ک: مکارم الآثار، ۲۰۳۲/۶.

عزیمت کرد و در آنجا اقامه جماعت می‌کنند و یکی از علمای آن شهر محسوب می‌شوند.^۱

۳- مرحوم آقا میرزا محمد باقر مدرّس، متولد حدود ۱۳۱۲ قمری، عالمی فاضل و از ائمه جماعت در محله پاقلعه بود.^۲ معظم‌له در خدمت برادر بزرگش در اصفهان به سر می‌برده است.^۳

آقا میرزا محمد باقر سرانجام در ظهر روز چهارشنبه، سی‌ام رجب المرجب سال ۱۳۸۸ قمری^۴ به سن متجاوز از هفتاد سالگی وفات یافت و در مقبره جد بزرگوارش جنب مسجد مدرّس اعظم (یا رحیم‌خان) مدفون گردید.^۵

۴- مرحوم آقا میر سید محمد رضا مدرّس، متولد ۱۳۲۸ و متوفی ۱۳۹۴ قمری^۶ [در طهران].

۵- مرحوم سید محمد جواد مدرّس، متولد ۱۳۳۰ قمری.^۷

آثار و تألیفات آية الله مير محمد تقی مدرّس

از آن جایی که علامه مدرّس ثانی، جامع علوم نقلی و عقلی بود و به ویژه از تبحر خاصی در فقه و اصول برخوردار بود و سال‌ها در این دو رشته به تدریس و تحقیق اشتغال داشت، آثار گرانمایی در این زمینه از خود به جای گذاشته است. معظم‌له از همان دوران تحصیل به نوشتن و تألیف مشغول بوده است و با وجود همه مشکلات و ناراحتی‌هایی که در دوران زعامتش در اصفهان برای او بوجود آمد، تصنیفات گرانقدری در فقه و اصول به یادگار گذاشته است.

۱- ارشاد المسلمین، ص ۳۹.

۲- ر.ک: تذکرة القیوم، ص ۳۴۹.

۳- ر.ک: ارشاد المسلمین، ص ۳۹.

۴- در مکارم الآثار- قسمت پاورقی‌ها- تاریخ فوت آن مرحوم را جمعه، دوم شعبان المعظم ۱۳۸۸ قمری ذکر کرده است (مکارم الآثار، ۲۰۳۳/۶).

۵- ر.ک: تذکرة القیوم، ص ۳۴۹.

۶- ر.ک: مکارم الآثار، ۲۰۳۳/۶.

۷- ر.ک: مکارم الآثار، ۲۰۳۳/۶.

در گمراهی تقنینی

تاج القصر و القریه لولا ما سد ما لفظه و بقره لولا ما
 الشیخ علی بن ابی طالب یقول فی الامام علی بن ابی طالب
 مالا و لا شریه الا میری حسن و لا حرمه
 بجهت تقنینی تصنیف معروفه فی ان فایض و لا
 کفایه لاشکال بوضع تمام ان هاتج حقیقتی
 ایضا بعضی انما افلا کرلام و بوجه عموم
 شانیه و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما
 هر طایفه از طرفین و انستل من کبریا و بقره
 و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 تقنینی است حکمتی غنائیه تکلیفیه حکمیه
 ظلم انبیا صلی الله علیه و اله که در بیان ان و بقره
 اخباری لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 لایستایان محتاج است باینها و بقره لولا ما لفظه
 میباید که خدای در حق و بقره لولا ما لفظه
 احکام بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه

تصویر صفحات اول و دوم رساله عملیه آقا میر محمد تقی مدرس ثانی

تجدید علی انما به و الصلاه و التام علی و بقره لولا ما
 التام علی و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 از طرفین و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 در معرفت جان سال احکام و بقره لولا ما لفظه
 ظاکما و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 در کما و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 شریفه لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه
 تاج الماء و بقره لولا ما لفظه و بقره لولا ما لفظه

سہ ماہ الرحمہ المرجوم

واما حکما ہا الرافق فیہا ما یؤا ولا اوا حصل التکلیف احد الاعذار المانعہ عن التکلیف
 بالصوم کلہ فی ذلک الوقت فی فرض صراحتا الوقت مقدار الطہارہ واداء الوضوہ وکم یمن قد فعل
 علیہ قضاء ما لا خلاف ولا یکتفی فی وجوب القضاء مع ادراک الوقت بمقدار اداء الوضوہ
 فی صلو الطہارہ وکما یرا الشرع وطلہ یحذر فیہا سواہ کان صراحتا اول ووسطہ وادخولہ واما لو ادركت
 کلہ وین ذلک ولم یمن قد فعل فالسئلہ غایۃ الاستحباب و التوفیق فیہا یجوز تام بغیر نقل
 العلم فی معانی احدہا فی الادراک ما من ذلک من اول ووسطہ و ثانیہا فی الادراک کل
 سائرہ و الکلام فی الاول یقع فی موضعین الاول فیما اذا کان المانع کالمیض النفسی واما فی
 حقول احتیوان فی وجوب القضاء مع ادراک الوقت اول ما ذکر فیہ جازعہ لان فی
 التکلیف اداء الوضوہ بعد اداء الوضوہ یجوز جمع ما یعتبر فیہا ان لم یکن حاصلہ فلیکتف
 التکلیف اداء الوضوہ وکتفیل الطہارہ فقط ووجوب جمع الی وجوبہ مع ادراک وقتہ بعد ادائها
 فی صلو الطہارہ خاصۃ کما ہو طرہ المصحیح قد یسقط القضاء واداکانی چون ذلک کما
 وکما ہو طرہ فی الجاہدہ وجوبہ مع ادراک ما مع اداء الوضوہ وکما ہو العلمہ جملہ
 انہا یعتبر فی وجوبہ فی النہایہ ادراک ما مع ادائها خاصۃ لانه یستطوع کلامہ اختیار
 جزء من الوقت ولو یکتفی بمقدار ادائها ولا جزء منها واما کان المقام فی الاداء العلم
 علیہ من شرط الکلام فیہ فقولہ یستحبنا من الہ ان مقصود الامل فی وجوب القضاء مع ادائها
 امتثال ما یشرک ادراک من الوقت جزء طرہ الام لاوانہ اثبات ذلک طرفین الاول انہ
 لا یرکت فی ان الامور یقتضیہ بطوبیۃ الصوم الوقت فیہا من استقامتہ استقامتہ ما یمکن بطوبیۃ
 الوقت ایضہ وجوب اثباتہا ما یمکن بان یترک فیہا یمن یتبہ وبلوا فیہ من القضاء علی
 اثبات امرہ احدہا ثبوت التکلیف ہا ولو القضاء والاثبات صدق الوقت بجزء
 التکلیف عدمہ بجزء علی الخطاب الفیض فیہ الاول العامہ کقولہ من فاستہ ووضوہ
 کما فیہ الاول کقولہ فیہ الاول الذل علی مطلوبیۃ الصلوہ من کل موطن ووضوہ و ثبوت التکلیف

علامہ مدرّس ثانی

مجموعه‌ای از کتاب‌ها و رساله‌های علامه در زمینه‌های فقه و اصول به همت والای فرزند ارشدش، میر سید حسن ثانی، گردآوری شد. ایشان مقدمه‌ای مختصر و سودمند نیز بر آن افزوده و به سعی و تلاش فرزند دیگر ایشان، مرحوم آقا میر محمد حسین مدرّس، در تهران به چاپ رسید. این مجموعه توسط آقا میر سید حسن ثانی به *الرسائل التقویة فی المسائل الفقهیة موسوم گشت*. این رسائل که در سال ۱۳۶۳ قمری در تهران به چاپ رسید،^۱ شامل شش قسمت می‌باشد که هر کدام رساله‌ای جداگانه است، که عبارتند از:

۱- رساله‌ای در بیان ضابطه ممیزه بین حق و حکم. ظاهراً آقا میر محمد تقی دومین فقیه و اصولی امامیه است که در خصوص فرق میان حق و حکم به تألیف رساله مستقلی دست زده است. پیش از او استادش، شیخ هادی طهرانی، اولین کسی است که در بیان فرق بین حق و حکم، رساله مستقلی نگاشته است. آقا میر محمد تقی در این کتاب به کلمات شیخ هادی طهرانی، بدون ذکر نام، اشاراتی دارد.^۲

۲- رساله‌ای در صلوة مسافر.

۳- رساله‌ای در منجزات مریض.

۴- رساله‌ای در قاعده «من ملک شیئاً ملک الاقرار به».

۵- رساله‌ای در ماهیت اجاره.

۶- رساله‌ای در مسأله ضمان. *شروع* *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

دیگر آثار وی عبارت است از: *رتال جامع علوم انسانی*

۷- رساله عملیه. در زمان حیات میر محمد تقی مدرّس و زعامت و مرجعیتش، در

اثر کثرت مراجعین در باب احکام شرعی به مظهر له، رساله عملیه ایشان به صورت حواشی بر رساله *هدایة الطالبین*، در اختیار عموم قرار گرفت. منتخب رساله هدایة

۱- ر.ک: *الرسائل التقویة*، مقدمه. در پایان مقدمه کتاب، تاریخ ۱۳۲۳ شمسی و ۱۳۶۳ قمری با امضای محمدعلی مدرّس زاده دیده می‌شود، وی فرزند میر محمد حسین است که در امر طبع این کتاب یاور پدر بوده است. این کتاب در چاپخانه سنگی آقا میرزا عبدالرحیم علمی به طبع رسیده است.

۲- ر.ک: نامه مفید، ۱۵۵- ۱۵۴.

الطالبین در عبادات به فارسی، که اصل آن از علامه میر سید حسن مدرّس اول و منتخب از شاگردش آخوند ملا محمد صادق پیکانی است، در سال ۱۳۲۱ قمری با حاشیه علامه مدرّس ثانی، در اصفهان چاپ شده است.^۱ حواشی میر محمد تقی مدرّس، یک بار نیز بر منتخب دیگری از هدایة الطالبین - که توسط محمد صادق خوانساری به امر مدرّس اول گرد آمده بود - منتشر شده است که در صفحه اول آن به خط و مهر مبارکش، عمل به مفاد آن را جایز دانسته است.^۲

بقیه آثار و کتب علامه میر محمد تقی مدرّس، به خط مبارکش، در کتابخانه نوة مشارالیه، مرحوم آقا میر سید علاءالدین مدرّس موجود است. این آثار عبارتند از:

- ۸- رساله‌ای در تسامح در ادله سنن.
- ۹- رساله‌ای در مسأله تعارض و ترجیح.
- ۱۰- رساله‌ای در تحدید وقت مغرب و عشا.
- ۱۱- رساله‌ای در وقت فرائض و نوافل.
- ۱۲- رساله‌ای در مسأله تکلیف کفار.
- ۱۳- رساله‌ای در اجتماع امر و نهی.
- ۱۴- رساله‌ای در «اعذار مانعة من الصلوة»، که در ربیع الاول ۱۳۰۰ قمری (ظاهراً در ایام اقامت در اعتاب مقدسه) نوشته‌اند.
- ۱۵- رساله‌ای در مباحث اصول، که در زمان تحصیلاتشان در عتبات عالیات نوشته‌اند.

حکایت عصیر عنبی

از فرزند ارشد میر محمد تقی مدرّس، یعنی آقا میر سید حسن ثانی رحمته الله، نقل شده است که پدرم می‌فرمود:

«طلبگی و مقاطعش چون عصیر عنبی است که اول و آخرش پاک، لیکن وسط

۱- ر.ک. مکارم الآثار، ۲۰۳۳/۶.

۲- ر.ک: منتخب رساله هدایة الطالبین، چاپ سنگی.

آن نجس است. اگر شخص وارد این معرکه شود یا باید تا به مرحله اجتهاد پیش رود و یا اگر توانایی این کار را در خود نمی بیند، خود را کنار بکشد. چه، در وسط های راه ماندن، هم قدری اطلاع داشتن و هم از عمق ماجرابی خبر ماندن، موجب این می شود که فرد در حالی خود را کارشناس بداند که نیست.»^۱

فهرست منابعی که شرح حال آقا میر محمد تقی مدرس در آنها آمده است:

- ۱- مدرس، میر سید محمد تقی، ۱۳۲۳ ش.، الرسائل التقویة فی المسائل الفقیة، با مقدمه میر سید حسن مدرس، چ ۱، تهران: چاپخانه سنگی میرزا عبدالرحیم علمی.
- ۲- روضاتی، میر سید محمد علی، ۱۳۲۲ ش.، زندگانی آیت الله چهارسویی، چ ۱، اصفهان: کتابفروشی تأیید.
- ۳- مهدوی، سید مصلح الدین، ۱۳۴۸ ش.، تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، چ ۲، اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- ۴- معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، ۱۳۶۴ ش.، مکالم الآثار، چ ۶، چ ۱، اصفهان: نفاس مخطوطات.
- ۵- الطهرانی، الشیخ آغا بزرگ، ۱۳۷۳ ق.، نقباء البشر، الجزء الاول، الطبعة الثانية، النجف: المطبعة العلمیة.
- ۶- مدرس مطلق، سید محمد علی، شجره طیبه، خطی.
- ۷- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان، ۱۳۷۸ ش.، تاریخ اصفهان، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، ش ۱، اصفهان: مؤسسه انتشاراتی مشعل.
- ۸- ثقة الاسلام، سید عبدالله، ۱۳۷۴ ش.، ارشاد المسلمین، چ ۱، بی جا: سید جمال الدین مدرس صادقی.
- ۹- اعتمادی، فضل الله، بزرگان محله نو، خطی.
- ۱۰- کتابی، سید محمد باقر، ۱۳۷۵ ش.، رجال اصفهان، چ ۱، اصفهان: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۱- جواهری، ابراهیم، ۲، علوم و عقاید، چ ۱، اصفهان: چاپخانه گیتی.

فهرست مدارک و مصادری که جهت تهیه مقاله از آنها استفاده شده است:
علاوه بر منابع فوق عبارتند از:

۱- به نقل از برخی از احفاد آقا میر محمد تقی.

- ۱۲- برومند، حیدر علی خان، ۱۳۵۱ش، طریق الرشاد، ج ۱، اصفهان: چاپخانه محمدی.
- ۱۳- نوری، حاج میرزا حسین، ؟، دار السلام، الجزء الثاني، الطبعة الثالثة، قم: انتشارات المعارف الاسلامیة.
- ۱۴- صفری، نعمت الله، ۱۳۷۴ش، «رسالة حق و حکم و شرح حال شیخ محمد هادی تهرانی، نامه مفید، فصلنامه تخصصی، قم: دار العلم مفید.
- ۱۵- کشوری، احمد رضا، ۱۳۷۸ش، فرزاتگان خوانسار، ج ۱، قم: سلمان فارسی.
- ۱۶- «مصاحبه با حاج شیخ حیدر علی محقق»، ؟، مجله حوزه، ش ۵۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۷- موسوی خوانساری، میر سید ابوالقاسم، ۱۳۵۱ش، «مناهج المعارف.
- ۱۸- التیمی، محمد علی جعفر، ؟، مشهد الامام او مدينة النجف، الجزء الثالث، الطبعة الاولى، نجف: ؟.
- ۱۹- مدرس، میر سید محمد حسن، ۱۳۷۸ش، «السحابة البيضاء، با مقدمه و تصحیح علی کرباسی زاده اصفهانی، ج ۱، اصفهان.
- ۲۰- الخوانساری الاصفهانی، الاغا میرزا محمد باقر، ۱۳۳۷ش، «النهرية، با مقدمه میر سید احمد روضاتی، ج ۱، اصفهان: سلسله المخطوطات.
- ۲۱- بامداد، مهدی، ۱۳۵۱-۱۳۷۴ش، «شرح حال رجال ایران، ج ۶، تهران: زوار.
- ۲۲- کرباسی زاده اصفهانی، علی، ۱۳۷۹ش، «بزرگ مدرس دار العلم اصفهان»، فصلنامه حوزه اصفهان.
- ۲۳- یزدی، سید محمد علی حسینی و دیگران، ۱۳۷۸ش، «دانشمندان خوانسار در کتب تراجم، ج ۱، قم: سلمان فارسی.
- ۲۴- نجفی، موسی، ۱۳۶۹ش، «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، ج ۱، تهران.
- ۲۵- نجفی، موسی، ۱۳۷۴ش، «جرايد و مطبوعات سیاسی اصفهان در یک قرن اخیر»، فصلنامه فرهنگ اصفهان، ش ۱، اصفهان: اناره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان.
- ۲۶- شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲ش، «گنجینه دانشمندان، ج ۲ و ۳، ج ۱، تهران: چاپ اسلامیه.
- ۲۷- مهدی، سید مصلح الدین، ۱۳۶۸ش، «بیان المفاهیر، ج ۲، ج ۱، اصفهان: انتشارات کتابخانه مسجد سید.
- ۲۸- یادداشت‌های نگارنده از فرمایشات مرحوم آیتالله آقا میر سید حسن مدرس هاشمی.
- ۲۹- مصاحبه نگارنده با مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقا میر سید حسین مدرس هاشمی.

* * *